

## معرفی و بررسی کتاب زن و فرهنگ دینی

مجتبی عطارزاده

مهریزی، مهدی (۱۳۴۱-): *زن و فرهنگ دینی*، جلد اول، تهران: نشر هستی نما، چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه، ۲۲۳ص، فارسی، رقمی (شمیز)، بهاد: ۱۳۰۰۰ ریال، فهارس: آیات، احادیث، اعلام.

نگارنده با مقدمه‌ای سه صفحه‌ای که طی آن به تفاوت میان پژوهش و واقعیت و رویکردهای متفاوت متفکران مسلمان به مسأله زن می‌پردازد، مجموعه حاضر را به عنوان برخی دغدغه‌های خود در این عرصه که با حفظ اصول و قواعد دین‌شناسی، می‌کوشد ابهاماتی را بزداید و با طرح ایده‌های حقوقی و معرفتی بتواند دانش و آگاهی عمومی را بالا ببرد، معرفی می‌کند. آن‌گاه محتوای مجموعه حاضر را چنین نام می‌برد: بخش اول مشتمل بر شش مقاله که عبارتند از: «زن در فرهنگ اسلامی»، «پیامبری زنان»، «تأملی در احادیث نقصان زن»، «زن و سیاست»، «زن و استقلال مالی»، «مطلاق بودن امام مجتبی(ع)»: بخش دوم به معرفی سه کتاب عربی با عناوین *الجهود العلمية للمرأة، قرائة جدیدة لفقہ المرأة الحقوقی، عقود الجمان فی جواز تعلیم الکتابة للنسوان* اختصاص دارد؛ بخش سوم نیز شامل دو گفتگو با عناوین «زن در آثار استاد مطهری» و «منزلت زن در فقه اسلامی» می‌باشد.

در واقع کتاب حاضر، مجموعه مقالات و آثار نگارنده طی سال‌های پیش از انتشار این کتاب می‌باشد. در مقاله نخست با عنوان «زن در فرهنگ اسلامی»، نگارنده برای بررسی موقعیت و جایگاه زن در فرهنگ اسلامی خوانندگان را از یکسان انگاشتن فرهنگ اسلامی با فرهنگ مسلمین برحذر می‌دارد و منبع دستیابی به فرهنگ اسلامی را قرآن و کردار معصومان و منبع فرهنگ مسلمین را گفتار و کردار مردمان مسلمان، آثار شاعران و نویسندگان و... معرفی می‌کند و تلاش خود در این مقاله را بر

ارائه جایگاه و موقعیت زن از دیدگاه فرهنگ اسلامی بر اساس سه محور اصلی دین‌شناسی یعنی قرآن، گفتار و رفتار معصومان متمرکز می‌نماید. آن‌گاه با استناد به آیات متعدد قرآن، پانزده اصل قرآنی نشانگر نگرش قرآن به زن را استخراج و در هر مورد با استفاده از تفاسیر معتبر به توضیح مختصر آنها می‌پردازد. در بخش‌های بعدی این مقاله، با استناد به روایات منقول از ائمه معصومین و نیز پاره‌ای از منش‌ها و رفتارهای پیامبر با زنان این‌گونه نتیجه گرفته می‌شود که زن و مرد از هویت واحدی برخوردارند و زنان به‌سان مردان قابلیت استکمال و اهلیت رشد و تعالی دارند. ضمن آن‌که اصل و ریشه زنان چون مردان پاکی و طهارت است، آنان نیز بمانند مردان می‌توانند از حضور اجتماعی و سیاسی برخوردار باشند، بلکه گاهی این حضور، جنبه تکلیف‌پیدا می‌کند. همچنین با عنایت به برخورداری زنان از دو جنبه انسانی و مؤثربودن، مقوله مادری در این بین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در مقاله دوم با عنوان «پیامبری زنان» به یکی از مباحث کلامی در حوزه انسان‌شناسی و زن‌شناسی یعنی نبوت زنان پرداخته می‌شود. نگارنده در ابتدای مقاله، در مقام بیان هدف از نگارش این مقاله، ضمن اشاره به بی‌فایده به نظر آمدن طرح چنین مباحثی در عصری متأثر از جنبش‌های زن‌گرایانه، بر این نکته تأکید می‌کند که طرح این بحث در راستای کشف و تبیین و تفسیر گوشه‌ای از معارف دینی قرار دارد و قویاً از پاره‌ای بحث‌های فقهی، فلسفی، تاریخی و... روزگار حاضر مفیدتر خواهد بود. آنگاه پس از بیان معانی واژه‌های «نبی» و «رسول» و تفاوت میان آن‌دو، امکان بررسی مسأله نبوت زنان از دو زاویه علم کلام و علم تاریخ را مورد اشاره قرار داده و این نکته را روشن می‌سازد که در نوشتار حاضر از زاویه اول به مسأله نبوت زنان نگریسته می‌شود و امکان عقلی و نقلی نبوت زنان به معنایی فراتر از نبوت انبائی و فروتر از رسالت انبیاء اولوالعزم مورد بررسی قرار می‌گیرد. (ص ۳۴) در ادامه با طرح دیدگاه‌های مختلف در خصوص آیات ناظر به بحث نبوت، چنین نتیجه می‌گیرد که مشهور نزد مسلمانان آن است که نبوت از مناصب ویژه مردان است و زنان از آن بهره‌ای ندارند (ص ۳۴). اما به همین اندازه بسنده نکرده و ادله مخالفان و موافقان مسأله نبوت زنان که هر یک تفسیر خاص خود از آیات قرآنی ناظر به این بحث را ارائه نموده‌اند، مطرح می‌نماید. همچنین دلایل و مستندات هریک از دو گروه که برگرفته از روایات و اجماع است، در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد.

در پایان این نوشتار، نگارنده ضمن اذعان به نظری بودن مسأله نبوت زنان و این‌که هیچ طرف این مسأله جزء مسلمات نیست و امکان گفتگو و مناقشه در این باب وجود دارد، چکیده گفتار خود را این‌گونه جمع‌بندی می‌نماید که در کتب مقدس مسیحیان و یهودیان اجمالاً نبوت زنان مورد پذیرش قرار گرفته و ادله استخراج شده از قرآن، احادیث و اجماع علما بر نفی نبوت زنان، قابل نقد می‌باشد.

مقاله سوم با عنوان «تأملی در احادیث نقصان عقل زنان» در پاسخ به مقاله‌ای با عنوان «دفاع از حدیث ۲ - ۲» که در شماره سوم مجله علوم حدیث درج شده و طی آن از احادیث نقصان عقل زن دفاع شده است، به رشته تحریر درآمده است. نگارنده طی این مقاله ضمن استناد به روایات بسیاری که

در آنها به درایت و توان‌مندی زنان اشاره شده، معتقد است مطالعه تاریخ اسلام و نیز تاریخ ادیان، حکایت از وجود زنانی برجسته و تاریخ‌ساز دارد که با پذیرش ناقص‌العقل بودن زنان، سازگار نمی‌باشد. در فرازهای پایانی این مقاله، نگارنده بر این نکته پا می‌فشارد که صرف‌نظر از بحث اعتبار سند احادیث مورد استناد در بحث نقصان عقل زنان، وجهی برای شتاب در پذیرش دلالت آنها وجود ندارد، زیرا با توجه به این‌که دلالت حدیث در امور تکوینی، زمانی پذیرفتنی است که قطعی باشد و از سوی دیگر، عقل در احادیث به معانی گوناگون آمده است، عالمان دینی در معنای نقصان عقل احتمالات متعددی را مطرح کرده‌اند و در احادیث دیگری عقل زنان پذیرفته شده که این تناقض، احتمال پذیرش ناقص‌العقل بودن زنان را تا اندازه زیادی ضعیف می‌سازد. (ص ۷۴)

در مقاله چهارم با عنوان «زن و سیاست؛ گرایش‌ها و نگارش‌ها»، نگارنده این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که مسأله مشارکت سیاسی زنان در کتاب‌های فقهی شیعه و سنی کمتر مطرح و مورد گفتگو قرار گرفته است و اگر هم بدان پرداخته شده، در ضمن مسائلی چون قضاوت، اجتهاد و تقلید و امامت و امارت به اختصار از آن سخن رفته است. دلیل این بی‌توجهی به باور نگارنده تا اندازه‌ای به گمان گروهی که ضرورتی برای طرح این‌گونه مباحث نمی‌بینند، مرتبط می‌باشد. اما شخص نگارنده بر این اعتقاد است که چون اذهان جامعه متوجه چنین موضوعی است و در محافل علمی نیز به عنوان یک مسأله مهم به آن نگریسته می‌شود، لذا می‌کوشد تا در این نوشتار حدود مسأله را با نگاه دینی روشن سازد. در این راستا، ابتدا حدود مشارکت سیاسی زنان در چهار حوزه، مشخص و منحصر می‌گردد، که عبارت‌اند از: حضور در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی از قبیل مجلس شورا و شوراهای دیگر، تصدی منصب‌های مدیریتی چون وزارت، ریاست دولت و... شرکت در انتخابات و گزینش افراد، حضور در تشکّل‌ها و احزاب سیاسی. آنگاه دیدگاه‌ها و گرایش‌های سه‌گانه‌ای در این خصوص با عنوان‌هایی چون منع مطلق، جواز مطلق و نظریه قائل به تفصیل به همراه ادله قرآنی، روایی، اجماع، اصل عملی، وجوه استحسان ارائه شده توسط قائلین و حامیان هر یک از دیدگاه‌های فوق عرضه می‌گردد.

در بخشی دیگر از مقاله، به معرفی اجمالی کتابها و مقاله‌هایی که در حوزه بحث حاضر به رشته تحریر درآمده، پرداخته شده است و در این رابطه ۴۵ اثر معرفی شده که به زبان فارسی و عربی نگاشته شده‌اند.

نگارنده پنجمین مقاله کتاب حاضر را با عنوان «زن و استقلال مالی» را با توضیح و تعریف مقوله استقلال مالی آغاز می‌کند و آنگاه با شماره نمودن انواع استقلال زن در مقولاتی چون مالکیت و تصرف به ذکر آیات و روایات مطرح در این زمینه می‌پردازد. در پایان و در مقام نتیجه‌گیری، استقلال مالی زن را به استقلال در مالکیت و تصرف منوط می‌سازد.

آنچه نگارنده را به نگاشتن مقاله ششم کتاب با عنوان «آیا امام حسن مجتبی (ع) مطلق بود؟» واداشته است، اعاده حیثیت از وجود امام دوم شیعیان است که آماج احادیث جعلی قرار گرفته و به بسیار زن گرفتن و بسیار طلاق گرفتن متهم شده است. در این نوشتار، ابتدا احادیثی که چنین اتهامی را متوجه امام حسن می‌سازد نقل و آنگاه با استناد به شواهد تاریخی، عقیدتی سعی در تبیین نادرستی آنها می‌گردد. در پایان نیز این گونه نتیجه گرفته می‌شود که از روایت‌های فوق به دلیل سستی و نادرستی، نمی‌توان هیچ حکم فقهی استنباط نمود.

بخش دوم کتاب به معرفی (و نه نقد) چند عنوان کتاب عربی که در حوزه مسائل زنان به رشته تحریر درآمده، اختصاص دارد.

پایان بخش مطالب کتاب حاضر، دو مصاحبه نگارنده با عنوان‌های «زن در آثار استاد مطهری» و «منزلت زن در فقه اسلامی» می‌باشد.

### نقد و بررسی

نظریه‌پردازی‌های روشنفکران در ارتباط با مسائل زنان به ویژه طی سال‌های اخیر، ضرورت تحرک بیشتر در حوزه دین، مبانی فقهی و فرهنگ دینی در زمینه عرضه آرا و اندیشه‌های ناب اسلامی را دو چندان نمود. چالش روشنفکران با مبانی دینی و روش‌شناسی فقه از آن روست که اساساً مبانی، پیش‌فرض‌ها و روش‌های فقیهان در تضاد با مبانی مدرنیته قرار دارد. بنابراین در مسیر بسط فرهنگ تجددگرایی، واقع‌گرایانه‌ترین و موفق‌ترین راه، عقب‌افتاده جلوه دادن دین و بی‌تفاوتی آن در برابر مطالبات زنان و ترقی و پیشرفت آنان است. در این بین در جوامعی چون ایران که دین جایگاهی استوار دارد، موفق‌ترین شیوه، سرمایه‌گذاری در تغییر تدریجی دین به سوی فرهنگ مدرنیته می‌باشد و در نهایت با طرح شعارهایی مثل عصری کردن دین، ارائه فقه مدرن، تفسیرهای لیبرال از اسلام، فقه‌گریزی و شریعت‌شکنی تجویز می‌گردد.

پروژه مدرنیته کردن دین، طبعاً احکام و قوانین مربوط به زنان را هم دربرمی‌گیرد. از این رو، احکام و قوانین زنان باید با نگرش نوینی مورد مطالعه قرار گرفته و بر اساس عرف زمانه و تجربه بشری باز تفسیر گردند. در این مسیر هر اندازه چهره دین و احکام آن در زمینه مسائل زنان بیشتر در هاله‌ای از ابهام باشد، امکان باز تفسیر و باز شناخت دین بر مبنای تفاسیر و برداشت‌های شخصی افزایش می‌یابد. این در حالی است که اسلام به عنوان یک مکتب و ایدئولوژی سیاسی، اجتماعی درباره زن و حقوق و وظایف آن ساکت نمانده و نظرش را به صورت شفاف و روشن عرضه داشته است. با توجه به آیات و روایات نتایجی چون سرشت یکسان زن و مرد و برابری خلقت آنها، ملاک و معیار قرب نزد پروردگار تقوا و عمل صالح - از هرکس که باشد چه زن و چه مرد - برابری حقوق و تکالیف در عین تفاوت و اختلاف در جسم و روح آنها، اهمیت ازدواج و فعالیت‌های اجتماعی به طور

کلی از رهنمودهای اسلام استخراج می‌گردد. در بعد اقتصادی، اسلام بر حق مالکیت زن تأکید می‌کند و آن را از جمله حقوق مسلم وی می‌داند. علاوه بر این در دین اسلام، به هنگام ازدواج بر مرد واجب است که مبلغی را به عنوان مهریه به زن پرداخت نماید تا در تمام دوران زندگی مشترک، پشتوانه‌ای برای زن محسوب گردد.

با این وصف به دلیل حاکمیت مسیحیت بر اروپا و نشر احکام تنگ‌نظرانه کلیسا در زمینه زن و حقوق وی، نطفه حرکت‌های تند زن‌گرایانه در آن دیار بسته شد و به یکباره با طرح ادعاهای تندروانه و واهی فرهنگ دینی را یکسره نفی و آن را ظالم در حق زنان تلقی نمود. البته با اطلاع از بخشی از دیدگاه‌های بسته کلیسا در زمینه حقوق زنان چه بسا این واکنش کاملاً طبیعی و عادی جلوه کند. به عنوان مثال ارباب کلیسا طی قرون متمادی هیچ حقی را برای زن در مالکیت قائل نبودند و کلیسا پس از ازدواج زن و مرد، زن را مطیع و خادم شوهر و مرد را مالک و فرمانروای وی می‌دانست. پولس قدیس در این زمینه می‌گوید: «اختیار پیکر زن دست خودش نیست، دست شوهر اوست».<sup>۱</sup> سنت آگوستین قدیس که خود یکی از کم‌نظیرترین دانشمندان و متکلمان مسیحی است می‌گوید: «ای مرد به خواست خداوند تو اربابی و زن برده توست. به گفته کتاب مقدس ساره مطیع ابراهیم بود و او را ارباب خود می‌نامید... آری، زنان شما خدمتکارانتان هستند و شما ارباب زنانتان هستید».<sup>۲</sup>

به این ترتیب تبیین نگرش اصیل اسلام به مقام و جایگاه زن ضمن رد و انکار نگرش ناصواب مسیحیت و طرح آن به عنوان نگرش دینی به جایگاه زن، وظیفه‌ای ضروری و لازم است که نویسنده کتاب زن و فرهنگ دینی در مقدمه، نوید تحقق آن را در نوشتار خود به خوانندگان می‌دهد. وی در صفحه ۹ و در مقام بیان رویکردهای متفاوت متفکران مسلمان به مسأله زن، گروهی را معتقد به تفاوت‌های فراوان تکوینی زن و مرد و در نتیجه تأیید تفاوت‌های تکلیفی زن و مرد معرفی می‌کند، که بر این اساس حکم به خانه‌نشینی وی می‌دهند. در مقابل از گروه دیگری سخن می‌گوید که تفاوت‌ها را به حداقل رسانده، از برابری حقوق و تکلیف و جایگاه اجتماعی زن و مرد سخن می‌رانند و تفاوت‌ها را مبنای تقسیم تکلیف و حقوق و منزلت اجتماعی نمی‌دانند. در میان این دو رویکرد، دیدگاه‌های معتدل‌تری نیز وجود دارد که با باور به تفاوت تکوینی زن و مرد، از نابرابری‌های حقوقی و تکوینی دفاع کلامی می‌کنند و حضور اجتماعی زن را برمی‌تابند. در کنار این رویکردها، گروهی دیگر با تقسیم‌بندی آیات قرآنی به مکی و مدنی و اصل گرفتن آیات مکی و با ارایه تفسیرهای تاریخی از آیات مدنی برآند تا پایه‌های جریان‌های زن‌گرایانه مدرن حرکت کنند. نگارنده به رغم طرح این دیدگاه‌های چهارگانه، ذهن خواننده را این‌گونه آماده می‌سازد که گوئی مطالب کتاب در راستای تبیین و توضیح این دیدگاه‌ها خواهد بود. اما با ورود به مباحث بعدی، تنها با مباحثی توصیفی در زمینه شأن و منزلت زن در بینش اسلامی مواجه می‌گردیم و از گفت‌وگو در زمینه حقوق زنان در اسلام خودداری می‌شود و در نتیجه رسالت نگارنده در ارائه نگرشی نو به مسائل زنان، ناکام و ناتمام رها می‌شود. این در حالی

است که در نظام حقوقی اسلام، حقوق و قوانین، صرفاً قراردادهای ساده اجتماعی نیستند بلکه ریشه در واقعیات تکوینی داشته، مطابق با نیازهای واقعی و موقعیت طبیعی آنها شکل گرفته‌اند. به تعبیری واضح‌تر حقوق امور اعتباری هستند ولی ممکن است مبنای این اعتبارها و قراردادها، خدا، وحی و پیامبر دانسته شود یا انسان و پارلمان قانون‌گذاری و خردمندان بشری و یا هر دو... مطمئناً در این قراردادها سزاوار است واقعیات عینی ملحوظ شود و در مورد تنظیم قوانین و مقررات مربوط به زن، تجارب تاریخی و یافته‌های زیست‌شناختی و اقتصادی و اجتماعی نصب‌العین گردد.<sup>۳</sup> بر اساس آنچه گذشت، ورود به مبحث حقوق و وظایف زن از زاویه نگرش اسلامی می‌توانست خلأ ناشی از اشاره به دیدگاه‌های چهارگانه مذکور و مطالب بعدی کتاب را تا حد زیادی پر می‌کرد.

مقاله دوم در خصوص پیامبری زنان چنانچه بحثی در زمینه فلسفه نبوت، ارایه و یا لوازم پیامبری توضیح داده می‌شد و هدف از ارسال رسل و نیز نبوت عامه و خاصه تبیین می‌گشت، کلام و هدف نگارنده از طرح این موضوع روشن‌تر و شفاف‌تر بیان می‌شد؛ با این وجود، چنین پرسشی که آیا از بین پیامبران تبلیغی، زنی به عنوان پیامبر یافت می‌شود، به قوت خود باقی است. همچنین یکی از ابهامات مطرح در جوامع اسلامی و به ویژه ایران در زمینه نقش و جایگاه زنان در کادر رهبری جامعه که کمابیش به نقش زعامت پیامبران شباهت دارد، به راحتی گذشته و فراموش شده است و در نتیجه مقاله مذکور تنها در فضای تاریخی و کلامی، محدود و منحصر باقی مانده و از کاربردی شدن آن در فضای کنونی جلوگیری شده است. حال آن‌که موضوع نقش زنان در حوزه سیاست یکی از موارد مناقشه‌انگیز در دوران معاصر است، به ویژه آن‌که این تصور درباره زنان وجود دارد که آنان نسبت به مردان برای اجرای وظایف سیاسی، توانایی کمتری دارند و به سیاست کمتر علاقه‌مندند. در گذشته، جامعه‌شناسی سیاسی به پذیرش این نظر فهم عام<sup>۴</sup> در مورد رابطه زنان با سیاست و نیز قائل شدن اعتبار علمی برای آن گرایش داشته است. سیلویا والبی معتقد است که در جامعه‌شناسی سیاسی چهار نوع رویکرد به مسائل جنسیت وجود دارد:

- ۱) رویکردی که زنان را با سیاست بی‌ارتباط می‌داند؛ این رویکرد در صورت اشاره به چنین ارتباطی، برای شیوه‌های سیاسی عمل زنان، در قیاس با مردان، اعتبار کمتری قائل می‌شود.
- ۲) رویکردی که از شیوه‌های غیر واقعی نشان دادن زنان در جامعه‌شناسی سیاسی، به ویژه در مطالعات راجع به انتخابات و گزینش زنان به عنوان نمایندگان سیاسی، انتقادهایی مطرح می‌کند.
- ۳) رویکرد مطالعات فمینیستی در مورد فعالیت سیاسی زنان.
- ۴) رویکرد تحلیل‌های به عمل آمده از سیاست جنسیتی شده،<sup>۵</sup> تحلیل‌هایی که نه فقط فعالیت سیاسی زنان بلکه مقاومت مردسالارانه را بررسی می‌کنند.
- ۵) تحلیل نقش دولت در ایجاد و حفظ خانواده هسته‌ای و نقش زن به عنوان همسر و مادر.<sup>۶</sup>

در مقاله چهارم به رغم ارائه دیدگاه‌های سه‌گانه در زمینه «زن و سیاست»، موضع و دیدگاه شیعه در این رابطه به وضوح و با صراحت بیان نشده است و به رغم عنوان فرعی کتاب (نگرشی نو به مسایل زنان) این انتظار خواننده که نگارنده دامنه بحث را به مسایل کنونی جامعه تسری دهد، بی‌جواب می‌گذارد.

در مقاله پنجم که بحث استقلال مالی زن مورد توجه قرار می‌گیرد، از این نکته اساسی که فعالیت اقتصادی زن در بیرون از خانه عامل عمده استقلال مالی وی است، غفلت شده و در نتیجه مباحث مربوط به این مسأله که محل اختلاف بسیار است از نگاه نگارنده بیرون مانده است. اشتغال بیرون از منزل برای زنان، حقوق اجتماعی بیش از پیش و مزایای بسیاری به ارمغان آورد، لیکن با یک بازنگری بر زندگی خانوادگی زنان شاغل می‌توان دریافت که این اشتغال برای آنان و دیگر اعضای خانواده، مشکلاتی نیز به همراه داشته است. البته این موضوع به ایران اختصاص ندارد و در سایر کشورها نیز مطرح می‌باشد. مارتین سگالن معتقد است در اکثر موارد، اشتغال زن علت بروز شکاف در خانواده و مسأله ساز جلوه کرده است و امروز دیگر شغل شوهر و زن به شکل اجزای مکمل یک فعالیت تولیدی انگاشته نمی‌شود و به شکلی از تقسیم کار مقتضی نیست که در آن هر یک از زوجین وظیفه‌ای متفاوت هر چند مرتبط با دیگری را به خاطر حفظ وحدت خانواده برعهده گرفته باشند.<sup>۶</sup>

از سوی دیگر در این مقاله پس از ارائه نظرات سه‌گانه، نگارنده به یک جمع‌بندی کلی به منظور نیل به رأی برگزیده نمی‌پردازد و به یک‌باره مطلب را نیمه‌تمام رها می‌کند.

به نظر می‌رسد تنها بخش آخر که حاصل مصاحبه نگارنده با روزنامه اطلاعات است، می‌تواند تا اندازه‌ای با عنوان فرعی کتاب مطابقت داشته (نگرشی نو به مسائل زنان) باشد. ضمن آن که در بخش مربوط به معرفی آثار مکتوب در زمینه مشارکت سیاسی زنان صرفاً به ذکر آثار عربی و فارسی بسنده شده و از آثار لاتین منتشر شده در این زمینه، ذکری به میان نیامده است. همچنین بسیاری از آثار جدیدی که پس از سال ۸۰ شمسی و ۲۰۰۰ میلادی به رشته تحریر درآمده، در این فهرست گنجانده نشده است.

### پی‌نوشت:

۱. نبوات‌گری، کتاب زنان از دید مردان، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: جامی، ۱۳۷۷، ص ۵۱.
۲. همان، ص ۵۴.
۳. مقصود فراستخواه، دین و جامعه، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷، ص ۶۰۸.

#### 4. Common Sense View.

#### 5. Gendered Politics

۶. یاملا ابوت، کلر والاس، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی، حمید احمدی، تهران: انتشارات دنیای مادر، ۱۳۷۶، صص ۱۹۱-۱۹۲.
۷. مارتین سگالن، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰، صص ۷-۲۷۸.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی